

**Comparative Studies
in Jurisprudence,
Law, and Politics**

Transformations of Transactions Intended to Evade Debt in Iranian Law, Islamic Jurisprudence, and Egyptian Law

1. Ali Rahmativand: PhD Student, Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Heidar Hassanzadeh*: Assistant Professor, Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: heidarhassanzade@gmail.com (Corresponding Author)

ABSTRACT

Despite significant developments in the context of transactions motivated by debt evasion in law and civil codes (specifically Article 218 of the former Civil Code amended in 1991), challenges regarding the legal status of such transactions remain unresolved. Not only has the volume of such transactions not decreased, but ambiguities surrounding these transactions have also increased. Furthermore, theoretical perspectives from Islamic jurists have largely neglected these transactions, except in a few cases such as conditions and rulings of transactions. This study aims to examine the transformations of transactions intended to evade debt in Iranian law, Islamic jurisprudence, and Egyptian law. Employing a descriptive-analytical methodology and utilizing documentary library resources, the study interprets and analyzes these transformations in Iran and compares them with Egyptian law, focusing on the enforcement mechanisms for such transactions. The findings indicate that, despite repeated amendments to Article 218 of the former Civil Code (1991), the mechanisms proposed to resolve the current challenges of debt-evasion transactions have so far been ineffective. Therefore, adopting provisions from Egypt's modern civil laws and integrating them with Iranian transactional laws could yield significant advancements in the legal status of transactions. Additionally, the comparative analysis reveals that Egypt's Civil Code is considered more advanced and progressive than Iran's civil laws. Moreover, the introduction of Article 21 of the Law on the Execution of Financial Judgments (enacted in 2015) with its novel and distinct enforcement guarantees (non-referable) reflects clear and historically Western foundations. Paying attention to these elements could contribute effectively to achieving the research objectives and strategies.

Keywords: *Transaction, Debt Evasion, Transformations, Iranian Law, Egyptian Law*

How to cite: Rahmativand, A., & Hassanzadeh, H. (2024). Transformations of Transactions Intended to Evade Debt in Iranian Law, Islamic Jurisprudence, and Egyptian Law. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(2), 61-79.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 06 February 2025
Revise Date: 05 March 2025
Accept Date: 24 March 2025
Publish Date: 25 July 2025



پژوهش‌هاک تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

تحولات معاملات به قصد فرار از دین در حقوق ایران و فقه اسلامی و حقوق مصر

۱. علی رحمتی وند: دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. حیدر حسن زاده*: استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. پست الکترونیک: heidarhassanzade@gmail.com (نویسنده مسئول)

چکیده

با وجود تحولات بسیاری که در زمینه معاملات با انگیزه فرار از دین در حقوق و قوانین مدنی (موضوع ماده ۲۱۸ قانون مدنی سابق مصوبه اصلاح ۱۳۷۰)، هم‌چنان چالش بر سر وضعیت حقوقی معاملات به قوت خود باقی است و نه تنها از کمیّت این نوع از معاملات کاسته نشده بلکه به ابهامات این نوع معاملات نیز افزوده شده است. علاوه بر این، در دیدگاه نظری فقها نیز آن‌چنان که باید و شاید جز در موارد معدودی هم‌چون؛ شرایط و احکام معاملات به آن توجه نگردیده است. نوشتار حاضر با هدف بررسی تحولات معاملات به قصد فرار از دین در حقوق ایران و فقه اسلامی و حقوق مصر که به صورت توصیفی و تحلیلی از روش اسنادی کتابخانه‌ای بهره جسته است، به تفسیر و تحلیل تحولات معاملات در ایران و تطبیق آن با حقوق مصر و ضمانت اجرای این نوع معاملات پرداخته است؛ نتایج حاصل از دست‌آورد پژوهش، گویای آن است؛ در حقوق ایران با وجود اصلاحیه مکرر ماده ۲۱۸ قانون مدنی سابق مصوب ۱۳۷۰، آن‌چه به عنوان سازوکار، در جهت رفع چالش‌های فعلی معاملات با انگیزه فرار از دین مطرح شده است، تاکنون موثر نبوده و لذا استفاده از قوانین جدید مدنی مصر و تلفیق آن با حقوق معاملات ایران می‌تواند تحولات سودمندی را در وضعیت حقوقی معاملات ایجاد کند؛ هم‌چنین با تطبیق موضوع فوق نتایج گویای آن است، قانون مدنی مصر از قوانین مدنی پیشرفته و مترقی نسبت به قوانین مدنی ایران تلقی می‌شود از طرفی با وضع ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ با ضمانت اجرای نو و متفاوت (غیرقابل استناد) مواجه می‌شویم که دارای مبانی مشخص و تاریخی غربی بوده و لذا توجه به آن می‌تواند در تحقق اهداف و راهبردهای پژوهش موثر واقع گردد.

واژگان کلیدی: معامله، فرار از دین، تحولات، حقوق ایران، حقوق مصر.

نحوه استناددهی: رحمتی وند، علی، و حسن زاده، حیدر. (۱۴۰۳). تحولات معاملات به قصد فرار از دین در حقوق ایران و فقه اسلامی و حقوق مصر. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۷(۲)، ۶۱-۷۹.

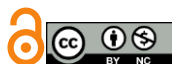
© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۷ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۵ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۴ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۳ مرداد ۱۴۰۴



زندگی پیچیده انسان‌ها در محیط پیرامون خود، علاوه بر روابط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، روابط حقوقی مختلفی را پدید می‌آورد. از جمله این روابط، مسئولیت حقوقی یک شخص در برابر شخص دیگر است. مسئولیت فوق‌گانه در نتیجه تخلف از ایفای «تعهد» در معاملات و قراردادهای به وجود می‌آید و گاه به صرف خسارتی که شخص به دیگری وارد کرده است، مطرح می‌شود (Shiravi, 2017). ضروری که در نتیجه فعل یا ترک فعل زیان آور به شخص وارد می‌شود ممکن است منجر به خسارت‌های مادی و معنوی در اشخاص گردد (A. N. Katouzian, 2006; N. Katouzian, 2006; Khani & Keyvani, 2019). لذا ضرورت پرداختن به این چنین مسائلی می‌تواند منجر به ملاحظات اخلاقی و اجتماعی و اقتصادی بوده و از حیث پاسداری از حقوق افراد و همچنین جلوگیری از مباح ساختن حیله نسبت به دیگران که به حق مظلوم واقع می‌گردند مورد حمایت کیفری واقع گردند.

در همین راستا «معامله فرار از دین» یکی از موضوعات مهم و بحث‌برانگیز حقوقی است که تاکنون از دیدگاه‌های مختلفی مورد تعریف و بازنگری قرار گرفته است و در اصطلاح عبارت است از؛ هر عمل حقوقی «متقلبانه»^۱ که منظور عامل آن فرار از پرداخت دین است (Izadi Fard & Kaviar, 2010). در ماده ۲۱۸ سابق اصلاحیه ۱۳۷۰ قانون مدنی این گونه معاملات باطل تلقی شده است حال آنکه در قوانین سال ۱۳۷۰ غیر نافذ تلقی می‌شد (Izadi Fard & Kaviar, 2010). با این حال اختلافات زیادی در خصوص نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، هم در گذشته و هم در زمان حاضر قابل مشهود است؛ مثلاً از نظر برخی حقوق دانان معامله به قصد فرار از دین در بین طرفین قرارداد، نه به صورت مطلق باطل است و نه غیر نافذ (Karimi & Asadi, 2019). بنابراین در این نوع معاملات می‌توان ابطال آن را به عنوان آخرین چاره از واحد قضایی مورد دادرسی قرار داد. از نقطه نظر کاتوزیان در کتاب قواعد عمومی قراردادها (N. Katouzian, 2006)؛ اشخاص توانایی تصرف در اموال و حقوق مالی خویش را دارند و هیچ‌کس نمی‌تواند آنان را از اعمال این حق منع کند (ماده ۳۰ قانون مدنی). اما مسأله‌ای که در این میان قابل طرح است، عبارت است از این‌که؛ آیا اجرای چنین حقی به حقوق شخص دیگر (بستانکار) ضرر نمی‌رساند؟ با این فرض عمل مدیون با انتقال اموال خود به قصد محروم ساختن طلبکاران، مصداق معامله‌ی مسبوق به تبانی بوده و لذا از سویی عمل وی ایقاع^۲ نیز تلقی می‌شود که اقدامی مغرضانه پیش بینی می‌شود.

معامله به قصد فرار از دین در سه حالت می‌تواند اتفاق بیفتد؛

- ۱- در حالتی که معامله به صورت صوری انجام پذیرد^۳ (قصد انتقال در آن وجود نداشته است)^۴
- ۲- حالتی که معامله به صورت واقعی انجام پذیرد^۵ (قصد فرار از دین در آن وجود داشته است)^۶
- ۳- حالتی که معامله‌ای هم صوری باشد و هم به قصد فرار از دین^۷ (حیدریان دولت آبادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۹۱)

¹ obligation

² fraudulently

^۳ - ایقاع نوعی عمل حقوقی است که فقط با اراده یک فرد انجام می‌شود و برخلاف عقد یا قرارداد به توافق دو یا چند اراده نیاز ندارد. هرچند ممکن است با اراده دیگری از میان برود.

^۴ - بدیهی است چنین معامله صوری و تحت هر شرایطی به جهت فقدان قصد باطل است.

^۵ - ماده ۴۶۳ قانون مدنی مثال روشن این مطلب است.

^۶ - در این نوع از معامله انتقال دهنده واقعا قصد انتقال دارد لکن می‌خواهد حاصل فروش را پنهان نماید تا از دسترس طلبکاران خارج نماید.

^۷ - ماده ۶۵ قانون مدنی مثال فرار از دینی است که صوری نیست.

^۸ - (ماده ۲۱۸ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۴).

در معامله نوع اول به علت اینکه معامله صوری تلقی می‌شود و قصدی در آن وجود ندارد یک معامله باطل تلقی می‌شود. اما در معامله حالت دوم، چون انتقال دهنده از انجام معامله یک انگیزه نامشروع دارد جهت معامله نیز «نامشروع»^۱ بوده و امر اضرار به طلبکار در آن مشهود است؛ با توجه به این امر، حالت دوم دارای وجه خصوصی بوده و «نافذ»^۲ نیست^۳ (ماده ۲۱۸ قانون مدنی سابق سال ۱۳۷۰) و حالت سوم نیز مشمول حالتی است که در قانون مصوب ۱۳۷۰ چنین معامله‌ای باطل تلقی شده است.

در تحولات صورت پذیرفته در ماده ۲۱۸ قانون مدنی و به موجب قانون، اصلاح ماده ۲۱۸ قانون مدنی بارها این قانون به شرح جدول زیر مورد اصلاح و بازنگری واقع شده است؛

جدول ۱. سیر تحول ماده ۲۱۸ قانون مدنی

۱۳۱۳	تصویب ماده ۲۱۸ ق.م	عقد و ایقاع را که به قصد فرار از دین واقع شود، غیر نافذ است
۱۳۶۱	حذف ماده ۲۱۸ ق.م	جایگزینی مقرره‌ای در تعارض با ماده ۶۵ ق.م
۱۳۷۰	تصویب دوباره ماده ۲۱۸ ق.م	هرگاه معلوم شود که معامله با قصد فرار از دین بطور صوری انجام شده، آن معامله باطل است.
۱۳۷۷	حذف ماده ۲۱۸ ق.م	جایگزینی مقرره ی ۱۳۷۰
۱۳۹۴	قانون اصلاح سال ۱۳۷۰	هرگاه معلوم شود معامله به قصد فرار از دین واقع شده است، آن معامله نافذ نیست.
سابق	ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی سال ۱۳۹۴ مصوبه ی	هرگاه معلوم شود معامله به قصد فرار از دین واقع شده است، آن معامله نافذ نیست.
	اصلاح سال ۱۳۷۷	

منبع: (کریمی و اسعدی، ۱۳۹۸: ۷-۹)

همان‌طور که در سیر تاریخی‌چپه‌ی آورده شده در جدول فوق مشاهده می‌گردد؛

از آن‌جا که قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ با تصویب قانون اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ فسخ شده است، لذا هم اکنون ماده ۲۱ قانون اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ حاکم بوده و ماده ۲۱۸ قانون مدنی سابق همان ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی سال ۱۳۹۴ مصوب اصلاحیه سال ۱۳۷۰ می‌باشد.

بنابراین با توجه به تحولات فوق در کشور ما قانونگذاری در این خصوص مضطرب بوده است؟ بنابراین در راستای تحولات مطرح شده فوق، آن‌چه به عنوان مساله‌ی دیگر قابل طرح است، عبارت است از اینکه، دلیل عدم قطعیت در مفهوم معامله به قصد فرار از دین از سوی قانونگذار چیست؟ ضمانت اجرای غیر قابل استناد بودن این معاملات تا چه میزان موفق بوده است؟

برای یافتن حکم درست در خصوص ماده ۲۱۸ قانون مدنی، با این‌که دستخوش تحولات مهمی نگردیده و افزون بر آن هر چند با مراجعه ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی^۴، مواد ۴۲۴ الی ۵۰۰ قانون تجارت نیز که در بردارنده احکامی در این خصوص بوده می‌تواند

^۱ illegitimate

^۲ penetrating

^۳ - ماده سابق ۲۱۸ از قانون مدنی مقرر می‌داشت: «هرگاه معلوم شود که معامله به قصد فرار از دین واقع شده، آن معامله نافذ نیست»

^۴ - حسب ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ انتقال مال به دیگری توسط مدیون به هر نحو و به هر وسیله، اگر با انگیزه فرار از ادای دین بوده و به نحوی باشد که باقی مانده اموال برای پرداخت دیون انتقال دهنده کافی نباشد، مرتکب به حبس تعزیری درجه ۶ یا جزای نقدی معادل نصف محکوم به یا هر دو مجازات محکوم می‌گردد.

با ملاحظه‌ی تفسیرهای گوناگون از مواد یاد شده آشفستگی قضایی در این امر را دوچندان کند. البته اختلاف دیدگاه فقهای امامیه و توجه بسیار کم به مسأله‌ی معامله به قصد فرار از دین نیز در این خصوص به آشفستگی مسأله افزوده است (Mahalli & Zangeneh, 2016). بنابراین با توجه به موارد و مسائل مطرح شده فوق، همان‌طور که در بسیاری از مطالعات نیز مشهود است، زمان آن فرا رسیده که ارزش مطالعات حقوق تطبیقی در این زمینه آشکار گردد. یکی از موثرترین راه‌های، حل تعارض‌ها را می‌توان در نگاهی به قوانین مدنی کشورهای موفق در این زمینه بیان کرد؛ چنین مطالعاتی در جهت اصلاح و تعالی نهادهای حقوقی و شناخت نواقص و رفع آن‌ها و دریافت راه کارهای دیگران برای حل مسائل اجتماعی تا حدود زیادی می‌تواند از ارزش و اعتبار برخوردار باشد؛ لذا نگاه به قوانین مدنی «مصر»^۱ در این زمینه می‌تواند انگیزه اصلی محقق را در رهایی از چالش‌ها و حرکت به سمت تحولات سودمند در وضعیت حقوقی معاملات را منجر شود.

۱. ماهیت معامله به قصد فرار از دین در فقه و حقوق ایران

در حقوق کشور ایران مبنای معاملات تابع یک اصل، تحت عنوان "آزادی قرار داد"^۲ است. اصل فوق یکی از مهم‌ترین اصول و قواعد حاکم بر حقوق قراردادها در حقوق خصوصی است؛ که در آن افراد و گروه‌های خصوصی را برای ایجاد قرارداد و بدون محدودیت دولت مجاز دانسته است. علاوه بر این "اصل آزادی قرارداد" در ماده ۱۰ قانون مدنی نیز، قراردادهای بین افراد خصوصی تا زمانی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ تلقی کرده است (Safai & Taqi Molla, 2005; Shahidi). منشاء اصلی ماده فوق به الهام از ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه بوده است (Safai, 2006). علاوه بر این در اسلام و قرآن نیز به ویژه در آیات ۲۹ سوره نساء^۳، آیه ۱ سوره مائده^۴، آیه ۳۴ سوره اسراء^۵ به اهمیت و جایگاه قرارداد و توجه به تعهدات در بین افراد، اشاره شده است. علاوه بر این، در فقه نیز به قواعدی از جمله؛ قاعده تسلیط، قاعده شرط، قاعده تبعیت، قاعده لاضرر و... اشاره شده است که بر اساس آن اصل آزادی قراردادها را مشروع دانسته است (Khatib et al., 2018).

طبق نصوص فقهی و حقوقی اسلامی، ملاک آزادی قرارداد، نافذ بودن آن است، کسی که در ادای دین دارای انگیزه فرار باشد و از پرداخت حق مدیون امتناء کند معامله غیر نافذ است (Razani, 1999). در این مبحث ضمن بررسی و تبیین ماهیت معامله به قصد فرار از دین در فقه و حقوق ایران به تطبیق موضوع فوق با مواضع قانون‌گذار کشور مصر پرداخته می‌شود.

۱-۱ در فقه اسلامی

در فقه اسلامی بحث در مورد "فرار از پرداخت دین" از مباحث متروکه به حساب می‌آید و تنها مورد استثنا در این امر را می‌توان در آثار نراقی جستجو کرد؛ (نراقی، ۱۲۹۴ ق: ۸۸).

برخی از فقها از جمله ابن زهره در، «غنیة النزوع»، صهرشتی در «اصباح الشیعه»، محقق حلی در «شرایع الاسلام»، علامه حلی (۱۴۰۳ ق) در «تذکره الفقهاء»، محقق اردبیلی در «زبده البیان»، و نجفی (۱۳۶۵ ش) در «صاحب جواهر» معتقدند؛ هرگونه معامله‌ای که مدیون قبل از صدور

¹ Egypt

² principle of Freedom of contract

^۳ یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا أموالکم بینهکم بالباطل إلا أن تكون تجارة عن تراض منکم.

^۴ و فوا بالعقود.

^۵ أو فوا بالعهد إن العهد کان مسئولاً.

حکم حجر انجام دهد صحیح و نافذ است، و به ماهیت موضوع توجهی نشان نداده‌اند^۱ (Heydarian Dowlatabadi & Mazaheri, 2019; Kohanestani, 2019).

دو استناد مهم در صحت معامله از نگاه اندیشمندان فوق را می‌توان در موارد زیر مطرح کرد؛

(۱) صحت معامله بر حسب قاعده تسلیط،

(۲) التزام به "حکم حجر" مدیون از ناحیه حاکم شارع: یعنی تا زمانی که حکم حجر مدیون از ناحیه حاکم صادر نشده باشد هرگونه تصرف مالی حتی اگر سبب خروج تمامی اموال مدیون و اعسار کامل وی گردد صحیح و نافذ می‌باشد (Heydarian Dowlatabadi & Mazaheri, 2019).

علاوه بر این از نظر فقها حکم حجر مدیون تابع شروط چهارگانه ی زیر است.

(۱) اثبات دیون در نزد حاکم،

(۲) دیون مربوط به فعل و بدون مدت باشد،

(۳) دارایی مدیون کمتر از حد دیون وی باشد،

(۴) خواستار طلب کاران از حاکم شرع برای حجر مدیون (Muhaqqiq Hilli, 1983).

اما از دیدگاه مرحوم نراقی، سید محمد کاظم یزدی و امام خمینی، معامله به قصد فرار از دین غیر نافذ بوده و صحیح نمی‌باشد (Heydarian Dowlatabadi & Mazaheri, 2019; Naraq, 1877).

دو استناد نیز در استدلال فقهای فوق در غیر نافذ بودن چنین معاملاتی قابل طرح است که عبارتند از؛

(۱) قاعده لا ضرر،

(۲) غیر مشروع بودن این نوع از معاملات.

از نقطه نظر ملاحظه نراقی، فرار از پرداخت دین و اعمال چنین معاملاتی، از بتن باطل و حرام دانسته و آن را مستند به قاعده لا ضرر معرفی می‌کند (Naraq, 1877).

نکته قابل تأمل در نظر ایشان این است که «قاعده لا ضرر» را مقتضی عدم صحت دانسته است؛ در صورتی که مقتضای «قاعده لا ضرر» عدم نفوذ معاملات به قصد فرار از دین است که با اجازه طلبکاران صحیح است.

بنابراین با توجه به دیدگاه فقهای امامیه؛ معاملات به قصد فرار از دین یا نافذ است به شرط (صحت معامله بر حسب قاعده تسلیط بوده و یا ملزم به حکم حجر مدیون از ناحیه حاکم شارع) و یا غیر نافذ است به شرط (اینکه مشمول ضرر نباشد و غیر شرع انجام نگیرد).

۱-۲ در حقوق ایران

معامله با انگیزه فرار از دین، در نگاه حقوق ایران مستلزم تبیین مواضع قانون‌گذار در این خصوص می‌باشد؛

۱-۲-۱ موضع قانون مدنی

^۱ (ابن زهره، غنیه النزوع، ص ۱۹۳؛ صهرشتی، اصباح الشیعه، ص ۱۹۵؛ محقق حلی، شرایع الاسلام، ص ۳۴۳؛ علامه حلی، تذکره الفقهاء، ص ۲۵۷؛ محقق اردبیلی، زبده البیان، ص ۴۸۹؛ نجفی، صاحب جواهر، ص ۲۷۹).

مواضع قانون مدنی در خصوص معامله به قصد فرار از دین، «غیر نافذ» است، چنانچه در در قانون مدنی سابق، در ماده ۲۱۸ مقرر گردیده است، هرگاه معلوم شود که معامله به قصد فرار از دین واقع شده آن معامله نافذ نیست (ماده ۲۱۸ قانون مدنی). اهم این مقرر را می‌توان در ماده ۶۵ قانون مدنی و ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی جستجو کرد.

۱-۲-۱-۱ صحت معامله

خارج از معاملات بر حسب قاعده تسلیط که در بخش قبلی به آن اشاره شده؛ «صحت معاملات» تابع؛
 - قصد طرفین و رضای آن‌ها/ موضوع ماده ۱۹۰ و ۱۹۱ قانون مدنی (قصد انشاء در معامله با توجه به اراده باطنی و اظهار نشده از سوی متعاملین محقق بوده و ابراز قصد انشاء، حاصل اراده ظاهری از ظواهر امر مثل؛ متن قرارداد است، همچنین در ارتباط با موضوع رضای طرفین در معامله «رضایت داشتن و راضی بودن» شرط صحت دانسته شده ولی درست این است که رضا را شرط نفوذ قرار داد.
 - اهلیت طرفین/ موضوع ماده ۲۱۰ الی ۲۱۳ قانون مدنی که در آن (متعاملین برای معامله اهلیت داشته و شرط برخورداری از آن نیز تابع بالغ و عاقل بودن آن‌هاست.
 - معین بودن مورد معامله/ موضوع ماده ۲۱۴-۲۱۶ (موضوع معین مورد معامله، متعلق موضوع تعهد است که باید منتقل شود یا آن کاری است که انجام یا ترک آن خواسته شده است (Amini, 2022).
 - مشروعیت جهت معامله بوده/ موضوع ماده ۲۱۷ الی ۲۱۸ (به طوری که معامله به قصد فرار از دین محسوب نگردد)
 فقدان هریک از شرایط فوق می‌تواند معامله را غیر نافذ و باطل کند (Amini, 2022).

۱-۲-۱-۲ عدم نفوذ در معامله

عدم نفوذ معامله‌ای که به قصد و نیت فرار از دین واقع شده ناظر به صورتی است که دین مدیون به شخص ثالث در نظر دادگاه معلوم بوده و محقق شود که به منظور فرار از تادیه دین اقدام به معامله نموده است؛ بنابراین عدم نفوذ ویژه عقدی است ناقص و قابلیت تکامل را دارد و با ضمیمه شدن رضای بعدی حیات حقوقی می‌یابد.
 عدم نفوذ، در عقد به منظور فرار از دین مانند «بطلان» بی اعتبار است؛ اما در عدم نفوذ چون ارکان اساسی عقد وجود دارد، نقصی را که سبب بی اعتباری آن شده است می‌توان جبران کرد، این عنوان با «بطلان» تفاوت پیدا می‌کند. چنین معامله‌ای را قانون بی اثر می‌داند ولی از آن‌جا که مکره می‌تواند با دادن «رضا» معامله ناقص را اجازه دهد، بایستی آن را غیر نافذ خواند نه باطل، بدین ترتیب «عدم نفوذ» بمعنی عام کلمه بر هر عقدی که دارای اثر حقوقی نباشد گفته می‌شود ولی به معنای خاص عدم نفوذ ویژه عقدی است ناقص که قابلیت تکامل را دارد و با ضمیمه شدن رضای بعدی حیات حقوقی می‌یابد (Sadeghi, 2018).

علت عدم نفوذ عقد غیر نافذ، عموماً این است که عقد فاقد رضای معتبر شخصی است که رضای او در عقد، لازم شمرده شده است. قانون مدنی در ماده ۲۵۸، مطابق نظریه مشهور فقهی (نظریه کشف) تأثیر اجازه و رد را نسبت به منافع مورد معامله از روز عقد مقرر کرده، اما نسبت به معامله اکراهی و معامله سفیه و صغیر ممیز در مورد زمان تأثیر اجازه نسبت به منافع مورد معامله، ساکت است. با وجود اینکه نظریه

¹ Invalid

کاشف بودن رضا (اعم از حقیقی و حکمی بودن کشف)، نظریه‌ای مخالف با قاعده است لیکن با تأکید بر وحدت ملاک بین قرارداد در عقود غیر نافذ از حیث اشتراک همه آن عقود در اراده طرفین و اجتماع شرایط معامله به استثنای رضای معتبر و تنفیذ بعدی آن‌ها و نیز بر اساس نظریه مشهور بین فقهای که مسأله را در مورد معامله مکره مطرح کرده‌اند و به استناد ماده ۳ قانون آئین دادرسی مدنی باید عرف مسلم مورد توجه قرار گیرد، در سایر معاملات غیر نافذ نیز مانند معامله فضولی باید آثار عقد را از حیث منافع و نماءات مورد معامله، پس از تنفیذ، از زمان انشای عقد جاری دانست (Taqi Molla, 2021).

علت عدم نفوذ عقد غیر نافذ، عموماً این است که عقد فاقد رضای معتبر شخصی است که رضای او در عقد، لازم شمرده شده است به بیان دیگر معامله از سوی طرفین باید از روی اختیار باشد. بنابراین عدم نفوذ در معامله در حقوق ایران غیر نافذ بوده ولی چون ارکان صحت در آن وجود دارد نقص آن اساسی نبوده و قابل ترمیم است. در معاملاتی که در آن مدیون قصد فرار از معامله را دارد می‌توان به معامله حیات حقوقی بخشید.

۱-۲-۱-۳ عدم قابلیت استناد

اصل نسبی بودن قرارداد بدان مفهوم است که اثر عقد، چه حقوق و چه امتیاز و چه تعهد و تکلیف، فقط دامنگیر طرفین عقد می‌شود نه اشخاص ثالث (Amini, 2022). (غیر قابل استناد بودن معامله به قصد فرار از دین در برابر دارنده با حسن نیت در معامله است. به عنوان مثال؛ فقط طرفین عقد بیع، امکان اقاله و فسخ قرارداد و الزام به تسلیم مورد تعهد را دارند و موجر و مستاجر به عنوان طرفین عقد اجاره صرفاً می‌توانند یکدیگر را الزام کنند و یا مسئول ناشی از جبران زیان ناشی از تعهدات قراردادی بدانند (Amini, 2022).

در همه روابط معاملاتی که موجب صدور یا انتقال سندی قید شده باشد متعاملین به ویژه صادرکننده سند نمی‌تواند ادعا نماید که سند را برای تضمین معامله صادر کرده است و از پرداخت دین اجتناب نماید، مگر در مقابل دارنده مستقیم و بلا فصل.

با توجه به مورد فوق فقط ایراداتی قابل استناد نیست که مربوط به روابط شخصی باشد، اما اگر ایرادی مربوط به خود سند و تعهد براتی باشد؛ از قبیل ایراد مجعول بودن امضا یا عدم اهلیت صادرکننده در حین صدور سند، در مقابل دارنده قابل استناد است. طبق این تعریف، ایرادات فقط در مقابل ید یا ایده‌های غیر مستقیم و باواسطه، قابل استناد نیست، اما در مقابل شخصی که سند مستقیماً به او واگذار یا منتقل شده است، این ایرادات قابل استناد است.

غیر قابل استناد بودن در کنار ضمانت اجراهای مشهور "صحت"، "بطلان" و "عدم نفوذ" قرار دارد و وضعیت دیگری بوده که برای اعمال حقوقی است (Taqi Molla, 2021).

اصل استناد پذیری اعمال حقوقی به عبارتی بهتر، اصل آزادی قراردادی که یک اصل کلی "حاکمیت اراده" است از فروع اصلی در اعمال قراردادهاست، عدم توجه به اصل استناد ناپذیری منطبق با فرضی است که در آن متعاملین به قرارداد احترام نمی‌گذارند و اشاره به موقعیتی دارد که در آن عمل حقوقی میان طرفین خود معتبر است ولی بنا به دلایلی نسبت به دیگران قابل استناد نیست و می‌تواند در فرار از دین از سوی مدیون موثر باشد (Taqi Molla, 2021).

تا پیش از اصلاحات سال ۱۳۶۱ در قانون مدنی، ماده ۲۱۸ این قانون مصوب (۱۳۱۳) مقرر می‌داشت «هرگاه معلوم شود که معامله به قصد فرار از دین واقع شده، آن معامله نافذ نیست» و به این ترتیب، هیچ تردید و بحثی در ضمانت اجرای چنین معاملاتی باقی نمی‌گذاشت. اما در ادامه، قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در سال ۱۳۵۱ تصویب و در سال ۱۳۷۷ اصلاح شد.

ماده ۴ اصلاحی این قانون مقرر می‌دارد؛ هرکس به قصد فرار از دین مال خود را به دیگری انتقال دهد به نحوی که باقی مانده اموالش برای پرداخت بدهی او کافی نباشد، عمل او جرم تلقی شده و انتقال گیرنده نیز در این صورت اگر مال در مالکیت انتقال گیرنده باشد، عین آن و در غیر این صورت قیمت و یا مثل آن از اموال انتقال گیرنده بابت تادیه دین استیفا خواهد شد»

با این‌که در این ماده از عدم نفوذ یا بطلان بحثی آورده نشده است، اما فقط به وصول مطالبه یا محکوم‌لایه از عین مال یا معادل قیمت آن از اموال انتقال گیرنده اشاره شده است. به عبارتی در نظر قانون‌گذار معامله صحیح است و تنها در برابر داین یا محکوم‌له قابلیت استناد ندارد. سخن گفتن از بقای مال در مالکیت انتقال گیرنده نیز تایید دیگری بر این واقعیت است.

استناد ناپذیری معاملات به قصد فرار از دین از حیث آثار امتیازاتی نسبت به عدم نفوذ آن دارد. از جمله این‌که؛ اولاً، استناد ناپذیری معامله، تا میزان طلب داین است، ثانیاً؛ ماده از عین یا مثل و قیمت مال انتقال یافته سخن می‌گوید و هیچ‌گاه انتقال گیرنده را ضامن منافع آن ندانسته است. در حالی که با رد معامله غیر نافذ، انتقال گیرنده در حکم غاصب و یدش ضمانی است. ثالثاً این‌که، آثار استناد ناپذیری معامله فقط نسبت به محکوم‌له یا داینی است که متعرض آن شده است و به دیگران تسری نمی‌یابد. در صورتی که در عدم نفوذ، رد و در نتیجه بطلان عمل در برابر همگان قابل استناد است.

۱-۲-۴-۱ ضمانت اجرای معامله به قصد فرار از دین

در تحلیل دو مورد قبل یعنی «عدم نفوذ در معامله» و «عدم قابلیت استناد» می‌توان بیان کرد؛ قبل از اصلاح قانون مدنی با ضمانت اجرای عدم نفوذ مواجه بودیم که مبتنی بر ریشه فقهی و با مبانی مشخص بود، ولی با وضع قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ با ضمانت اجرای نو و متفاوت «عدم قابلیت استناد» مواجه می‌شویم.

ضمانت اجرایی که ضمن داشتن ریشه در فقه، از مبانی و سابقه تاریخی مشخص در حقوق غرب برخوردار است.

در قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ با اصلاحاتی مواجه می‌شویم که باقی ماندن ضمانت اجرای غیر قابل استناد بودن این معاملات را در بوته ابهام باقی مگذارند؛ به هر حال قبل از تحلیل در رابطه با این ابهام و اینکه آیا همچنان معامله به قصد فرار از دین غیر قابل استناد است یا نه؟

در تبیین غیر قابل استناد بودن معامله باید تاکید نمود وجود اعتباری اعمال حقوقی گاه حیات حقوقی نمی‌یابد و باطل است و گاهی حیات حقوقی می‌یابد و وقتی حیات حقوقی می‌یابد همواره یکسان نبوده و این عقد صحیح نمی‌تواند در عالم اعتبار، اشکال متفاوت داشته باشد. در یکی از اشکال، عقدی است که بین طرفین موجود و واجد آثار است ولی نسبت به شخص یا اشخاص ثالث قابل استناد نیست^۱. و اختیار در دست شخص ثالث مزبور است ولی رد وی، رد معامله ی غیر نافذ نیست که نتیجه آن بطلان عقد باشد.

این ضمانت اجراموجب می‌شود فقدان شرط یا وجود مانع صرفاً عقد را به سوی بطلان نکشاند، بلکه ضمن رف دغدغه و تامین نظر قانونگذار، امکان برقراری صحت عقد و ترتب آثار آن باشد. لذا اگر دین اداء شود معامله غیر قابل استناد در برابر طلبکار، خودبه خود نسبت به وی نیز قابل استناد می‌گردد و اگر دین اداء نشود، طلبکار می‌تواند همچنان آن مال بدهکار قلمداد نماید و طلب خود را از آن استیفاء نماید (Amini, 2022).

¹ Terre, Francois-Silmre, Philippe-Leuette Lves-Chenede, Francois, droitCivil, Les Obligations, N135, p170.

همچنین در تحلیل این عنوان مسأله‌ای که قابل طرح است عبارت از اینکه آیا ماده ۲۱ نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ مانند قانون مصوب ۱۳۷۷ معامله به قصد فرار از دین را غیر قابل استناد می‌داند یا خیر؟

امروزه در مورد بقای ضمانت اجرای معامله‌ی غیر قابل استناد در مورد معامله‌ی به قصد فرار از دین، اختلاف نظر حقوقی وجود دارد، برخی از حقوقدانان معتقد هستند ماده ۲۱ قانون فوق (مصوب ۱۳۹۴) ضمانت اجرای ماده ۴ قانون مزبور (مصوب ۱۳۷۷) را از بین برد و نمی‌توان از غیر قابل استناد بودن معامله به قصد فرار از دین سخن گفت و دیگر آن که؛ اینگونه معاملات با منع قانونی مواجه نیستند؛ به طوری که اداره کل حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی خود در تایید این نظر اظهار می‌کند: «ماده ۲۱ اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ انتقال مال به دیگری با انگیزه فرار از ادای دین را مشروط به شرایط مذکور در این ماده، جرم و مستوجب حبس تعزیری یا جزای نقدی دانسته است (حکم تکلیفی) اما در مقام بیان حکم وضعی و صحت و بطلان این معامله سکوت کرده است. این عده با توجه به دلایل ذیل معتقدند که معامله مزبور صحیح است؛ زیرا: اولاً، جرم دانستن عمل یا معامله‌ای توسط مقنن لزوماً به معنای باطل بودن آن نیست، یعنی حکم تکلیفی ملازمه‌ای با حکم وضعی ندارد. ثانیاً: اصل صحت معاملات نیز اقتضای آن را دارد که معاملات در معرض بطلان قرار نگیرند و ثالثاً: اصل صحت معاملات فقط به مسئولیت منتقل الیه به پرداخت محکوم به از باب جریمه مدنی اشاره دارد.

در واقع، محور استدلال این عده را می‌توان بر مبنای استیفاء از عین و یا مثل و قیمت در ماده ۲۱، برخلاف ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ است و صرفاً به عنوان جریمه است. ولی به نظر می‌رسد معامله به قصد فرار از دین همچنان بین طرفین صحیح و در برابر طلبکار غیر قابل استناد است و حکم ماده ۲۱ قانون اخیرالتصویب همچنان حکم ماده ۴ قانون مصوب ۱۳۷۷ است (Amini, 2022).

۱-۲-۲ موضع قانون تجارت

موضع قانون تجارت نیز در معاملات به قصد فرار از دین در شرایطی که در ادامه به آن پرداخته می‌شود، منع شده است و در مواد ۴۲۴، ۴۲۶، ۵۰۰ و ۵۵۷ قانون تجارت، معامله به قصد فرار از ادای دین قابل فسخ، بطلان نسبی و مطلق آمده است؛ در ماده ۴۲۴ قانون تجارت اشاره شده است که؛ معامله به قصد فرار از دین قابل فسخ است همچنین در ماده ۴۲۶ قانون تجارت؛ معامله به قصد فرار از ادای دین اگر صوری یا مسبوق به تبانی باشد بطلان مطلق بوده و در ماده ۵۰۰ قانون تجارت نیز اشاره شده گردیده که اگر معاملات به قصد فرار از طلبکاران باشد باطل نسبی بوده و چنانچه معاملات طبق ماده ۵۵۷ به قصد فرار مدیر تصفیه به ضرر طلبکاران باشد بطلان مطلق محسوب می‌شود؛

بنابراین با توجه به موارد فوق بر طبق مواضع قانون تجارت؛ چنانچه معامله‌ای به جهت؛

۱- سوء استفاده از حق (موضوع اصل ۴۰ قانون اساسی)^۲،

^۱ به موجب ماده (۵۰۰) قانون تجارت معاملاتی که تاجر ورشکسته پس از صدور حکم راجع به تصدیق قرار داد ارفاقی تا صدور حکم بطلان یا فسخ قرار داد مزبور نموده، باطل نمی‌شود مگر در صورتی که معلوم شود به قصد اضرار بوده و به ضرر طلبکاران هم باشد. در این ماده قصد اضرار به طلبکاران تعبیر دیگری از قصد فرار از دین است و نشان می‌دهد که مبنای بطلان معامله، انگیزه‌ی پلید بدهکار و جبران زیان طلبکاران است، و گرنه در دورانی که قرار داد ارفاقی به ظاهر حکومت می‌کند، معاملات ورشکسته نیز نافذ است.

^۲ اصل چهارم قانون اساسی چنین اشاره می‌دارد «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد».

- ۲- اضرار دیان(موضوع ماده ۶۵ ق.م.ا)،^۱
- ۳- ورشکستگی(موضوع ماده ۴۲۴ ق.ت.ا)،^۲
- ۴- اضرار طلبکاران(موضوع ماده ۵۰۰ ق.ت.ا)^۳
باشد اجرای آن بطلان و معامله فسخ است.

۱-۲-۳ موضع قانون اجرای احکام مدنی

در قانون اجرای احکام مدنی در رابطه با قصد و انگیزه فرار از دین در مواد ۵۶، ۵۷، هرگونه نقل و انتقال اعم از قطعی و شرطی و رهنی نسبت به مال توقیف شده از سوی فرد انتقال دهنده باطل و بی اثر تلقی می‌گردد، همچنین بعد از توقیف مالی که به ضرر محکوم له انعقاد گردد» نافذ» نبوده مگر اینکه از سوی محکوم له کتبا رضایت موجود باشد (Sharafat-Peyma & Khajvand Melkar, 2016).

۱-۲-۴ موضع قانون اساسی

در قانون اساسی نیز در اصل ۴۰، ۴۹ و ماده ۱۴ به حدود و اختیارات اشخاص در اجرای حق خویش در زمینه‌ی معاملات اشاره شده است و از این نوع معاملات تحت عنوان کلاهبرداری نام برده شده است و انجام چنین معاملات را نامشروع و مستلزم مجازات دانسته است. اما گذشته از مواضع قانونی فوق؛ مهم‌ترین مقرر قانون فعلی که می‌تواند تا حدودی راه‌گشا باشد؛ ماده چهارم قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی است.^۵

در قانون فعلی نحوه اجرای محکومیت‌های مالی(ماده چهارم)، برای اینکه معامله‌ای به قصد فرار از دین باشد مستلزم شرایط زیر است؛

- ۱- معامله انجام پذیرفته باشد،
- ۲- ضرر به نفع طلبکار و به زیان بستانکاران باشد،
- ۳- اسناد مربوط به دین به همراه حکم دادگاه موجود باشد،
- ۴- وجود قصد ضرر به بستانکاران،
- ۵- واگاهی طرف معامله از قصد مرتکب به فرار از پرداخت بدهی (Khatib et al., 2018).

^۱ ماده ۶۵ ق.م.ا. چنین اشعار می‌دارد «صحت وقعی که به علت اضرار دیان واقف واقع، شده باشد منوط به اجازه دیان است.

^۲ ماده ۴۲۴ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «هرگاه... تاجر متوقف قبل از تاریخ توقف خود برای فرار از دین یا برای اضرار به طلبکارها معامله‌ای نموده که متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین معامله بوده است، آن معامله قابل فسخ است.

^۳ به موجب ماده ۵۰۰ قانون تجارت؛ «معاملاتی که تاجر ورشکسته پس از صدور حکم راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی تا صدور حکم بطلان یا فسخ قرارداد مزبور نموده، باطل نمی‌شود مگر در صورتی که معلوم شود به قصد اضرار بوده و به ضرر طلبکاران هم باشد.

^۴ در قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ ماده (۵۶) چنین مقرر کرده: «هرگونه نقل و انتقال اعم از قطعی و شرطی و رهنی نسبت به مال توقیف شده، باطل و بلا اثر است». همچنین ماده (۵۷) هم اشعار می‌دارد: «هرگونه قرارداد یا تعهدی که نسبت به مال توقیف شده بعد از توقیف به ضرر محکوم له منعقد شود، نافذ نخواهد بود مگر این که محکوم له کتبا رضایت دهد».

^۵ - در ماده ۴ محکومیت‌های مالی مقرر شده است؛ هرکس با قصد فرار از ادای دیون و تعهدات مالی موضوع اسناد لازم‌الاجرا و کلیه محکومیت‌های مالی، مال خود را به دیگران انتقال دهد، به‌نحوی که باقیمانده اموالش برای پرداخت بدهی او کافی نباشد، عمل او جرم تلقی و مرتکب به چهار ماه تا دو سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد و در صورتی که انتقال‌گیرنده نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد شریک جرم محسوب می‌گردد و در این صورت اگر مال در ملکیت انتقال‌گیرنده باشد، عین آن و در غیر این صورت، قیمت یا مثل آن از اموال انتقال‌گیرنده بابت تأدیه دین استیفاء خواهد شد.

بنابراین آنچه در این بین به عنوان یک چالش اساسی مطرح است، عبارت است از این که؛ این نوع از معاملات و ضمانت اجرای آن برای ما روشن نشده و حقوق دانان کشور ایران در این زمینه دچار اختلاف در نظر و از نفوذ حقوقی ضعیفی نسبت به سایر قوانین مدنی و حقوقی کشورها برخوردارند که در ادامه ابتدا به تحولات در رابطه با معاملات به قصد فرار از دین و سپس به تطبیق نقاط قوت و اشتراک کشور مصر با ایران پرداخته می‌شود.

۳-۱ در حقوق مصر

در حقوق مصر در مواد ۲۳۵، ۲۴۰، ۲۳۷، ۲۴۱، ۲۳۸، ۲۴۲ و ۲۴۳ قانون مدنی، قانونگذار کشور مصر برای حمایت از حقوق طلبکار در مقابل فردی که مدیون است به قصد اضرار به طلبکار را دارد؛ قانونی تحت عنوان حمایت از طلبکار در مقابل مدیون پیش بینی شده است که دارای شرایطی مدون و منسجم است.

در قانون مدنی مصر، شارحین به صورت مبسوط به آن پرداخته‌اند که شامل؛

- شروط دعوای عدم نفوذ (این شروط هم مربوط به بستانکار و هم مدیون است) که این موضوع به وضوح در ماده ۲۳۵ قانون مدنی مصر نمایان است،

- شروط مربوط به تصرف و عمل (تصرفی که نامشروع است)، (موضوع ماده ۲۳۷^۱ و ۲۳۸ قانون مدنی مصر). در تطبیق با حقوق ایران در خصوص شروط مربوط به تصرف و عمل می‌توان ضرری بودن تصرف را در ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مورد استنباط قرار داد. هم‌چنین می‌توان به مواد ۴۲۴ و ۵۰۰ قانون تجارت نیز در این خصوص اشاره نمود.

- شروط مربوط به مدیون (شامل دو شرط؛ غش و سوء نیت مدیون و اعسار مدیون)، (موضوع ماده ۲۷۸ قانون مدنی مصر) (Zakarian & Meghdadi, 2018).

علاوه بر موارد فوق در خصوص طرح دعوی بین طلبکار و بستانکار، قانونگذار مصر در مواد ۲۴۱ تا ۲۴۳ قانون مدنی به موجبات و عقود به آثار دعوی عدم نفوذ اشاره دارد. این طرح دعوی یکی از راهکارهای قضایی برای حمایت از طلبکار در مقابل تصرفات مدیون معسر بوده، که اساس آن می‌تواند سوء نیت مدیون به قصد اضرار به طلبکار باشد. در قلمرو قانون مدنی سابق مصر به دعوی «ابطال تصرفات مدیون» و در محل دیگر این قانون به دعوی «طعن نسبت به تصرفات بدهکار» موسوم بوده است؛ ولی به استناد ماده ۲۳۷ قانون مدنی جدید مصر «عنوان عدم نفوذ تصرفات مدیون» شایسته به نظر می‌رسد.

در قانون مدنی جدید مصر، مباحث مربوط به بطلان در مواد ۱۳۸ تا ۱۴۴ گردآوری شده است. فرار از پرداخت دین در حقوق مصر چنانچه از یکی از شرایط بطلان موضوع مواد فوق تبعیت کند معامله باطل تلقی می‌شود. لذا مواد ۱۳۸ تا ۱۴۴ از شرایط اساسی صحت معاملات خارج از بطلان معرفی شده است.

در قوانین مصر حالت بطلان نسبی در خصوص حقوق مربوط به فرار از دین به رسمیت شناخته شده است. مثلاً در ماده ۱۳۸ قانون مزبور مقرر شده است: «چنانچه قانون برای یکی از متعاقدين حق ابطال معامله را پیش بینی کرده باشد، طرف مقابل نمی‌تواند به این حق تمسک کند، یا ماده ۱۴۱ همین قانون در مورد بطلان مطلق است که می‌گوید؛ چنانچه عقد باطل باشد هر ذینفعی می‌تواند به بطلان تمسک کند و دادگاه نیز مستقلاً می‌تواند حکم بطلان را صادر نماید (Abu al-Saud, 1986).

^۱ ماده ۲۳۷ قانون مدنی مصر مقرر می‌دارد: هرگونه تصرفی را که منجر به اعسار یا افزایش اعسار مدیون شود مشمول دعوای عدم نفوذ دانسته است.

۲ تحولات قانون‌گذاری در رابطه با معامله به قصد فرار از دین

آنچه در قانون مدنی، تحت عنوان "تحول" در معاملات به قصد فرار از دین مطرح است، شامل تغییراتی بوده است که بیشتر از جنبه‌ی انشائی برخوردار بوده است؛ ماده ۲۱۸ قانون مدنی طی چندین مرحله مورد اصلاح، حذف و بازنگری واقع شده است، اما در حالت کلی آن‌چنان که باید و شاید شاهد فوایدی از حیث پاسداری از حقوق افراد نبوده است و هم‌چنان با توجه به دیدگاه‌های متفاوت حقوقی و عدم توجه یکپارچه فقهای امامیه به مسأله‌ی "فرار از دین" و نافذ تلقی نمودن اکثر فقها، این نوع معاملات هم‌چنان به عنوان چالش اساسی در نظام حقوقی ایران به قوت خود باقی است.

۱-۲ تحولات ماده ۲۱۸ قانون مدنی

تحولات قانون‌گذاری در رابطه با معامله به قصد فرار از دین که بیشتر در ماده ۲۱۸ قانون مدنی مشهود است به طور کلی دارای مراحل زیر بوده است؛

ماده ۲۱۸ سابق قانون مدنی اصلاحیه سال ۱۳۷۰ به‌طورکلی مقرر کرده بود: «هرگاه معلوم شود معامله به قصد فرار از دین واقع شده است آن معامله نافذ نیست» (Emami, 2008).

این ماده که به اقتباس از ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی فرانسه است، به رغم فوایدی که از حیث پاسداری از حقوق بستانکاران و مبارزه با نیت شوم مدیون در محروم کردن بستانکاران از رسیدن به طلب خود داشته، به گمان برخی از موازین فقهی و حقوقی، ماده فوق به عنوان یک ماده غیر شرعی قلمداد شد و در اصلاحات دی ماه سال ۱۳۶۱ از قانون مدنی کشور حذف گردید.

هم‌چنین با حذف ماده فوق بین سال‌های ۱۳۶۱ لغایت ۱۳۷۰ مورد بازنگری دوباره قرار گرفت و به دلیل خلاء چشم‌گیری که نزدیک به یک دهه در این زمینه احساس شد، دوباره تصمیم بر این گردید که در اسفند ماه سال ۱۳۷۰ مجدداً قانونگذار تصمیم به تصویب دوباره ماده ۲۱۸ قانون مدنی به شرح زیر شد

در مصوبه ماده ۲۱۸ قانون مدنی سال ۱۳۷۰ آمده است: «هرگاه معلوم شود که معامله با قصد فرار از دین به‌طور صوری انجام شده آن معامله باطل است».

وجه تفاوتی بین قانون سال ۱۳۷۰ در نوع صوری بودن معامله است و اشاره به فرآیندی دارد که معامله به صورت صوری انجام پذیرد و قصد انتقال در آن وجود نداشته است، حال اینکه در مقررده سال ۱۳۶۱ معامله به صورت واقعی انجام پذیرفته ولی قصد فرار از دین در آن وجود داشته است.

به نظر می‌رسد با این اوصاف حذف ماده ۲۱۸ قانون مدنی مصوب ۱۳۶۱ به دلیل برخورداری از حیث یک معامله واقعی و سپس ظهور انگیزه در جهت فرار از دین یک تصمیم صحیح نسبت به مصوب دوباره آن در سال ۱۳۷۰ بوده است، در واقع حذف بودن این مقررده بهتر از مصوب آن به شکل قانون سال ۱۳۷۰ بوده است.

بنابراین صحت معاملات، بستگی به امر واقعی بودن آن است که نسبت به طرفین و قائم‌مقام آن‌ها صحیح و لازم الاجراء است. در این مقررده دعوی ویژه طلبکاران، مخالف اصل صحت "ماده ۲۲۳ قانون مدنی" و اصل لزوم ماده ۲۱۹ قانون مدنی، است. اما همان‌طور که در ابتدای

¹ Evolution

همین مقاله اشاره شد، به علت ملاحظات اخلاقی و اجتماعی همچنین در نظر داشتن ملاحظات اقتصادی و جلوگیری از مباح دانستن مکر و حيله نسبت به طلبکاران که به حق مورد ظلم واقع می‌گردند، قانون‌گذار مجدداً ماده ۲۱۸ اصلاحی قانون مدنی در سال ۱۳۹۴ مورد بازنگری قرار داد و در اصلاحیه مکرر سال ۱۳۹۴ مقرر شد که ماده ۲۱۸ قانون مدنی به قرار زیر اصلاح گردد؛

تحولی در مصوبه سال ۱۳۹۴ نیز آمده است مقرر شد؛ هرگاه معلوم شود معامله به قصد فرار از دین واقع شده است، آن معامله نافذ نیست. تفاوتی که در ماده اصلاحی فوق با ماده منسوخ شده سال ۱۳۷۰ مشهود است نیز همانند تفاوتی است که ماده ۲۱۸ سال ۱۳۷۰ با مقرر سال ۱۳۶۱ داشته است. البته در اصلاح مکرر ماده ۲۱۸ قانون مدنی سابق هیچ تحولی نسبت به سال ۱۳۹۴ صورت نپذیرفته است.

۲-۲ اثر تحولات بر وضعیت فعلی

با توجه به آن‌چه در خصوص وضعیت قانونگذاری و تحلیل معامله به قصد فرار از دین مطرح شد؛ مواضع قانون مدنی به ویژه ماده ۲۱۸ سابق، موضع «قانون تجارت» به ویژه، مواد ۴۲۴ و ۵۰۰ ق.ت، موضع قانون اجرای احکام مدنی در مواد ۵۶ و ۵۷، و مواضع موجود در قانون اساسی در اصل ۴۰، ۴۹ در قبال فسخ یا باطل بودن این نوع معاملات از ضمانت اجراهای مناسبی در برخورد با مرتکبان نبوده و لذا تنها مورد استثنا و اثر گذار بر این امر می‌تواند تا حدودی متوجه ماده ۴ قانون فعلی نحوه اجرای محکومیت‌های مالی باشد. بر اساس ماده ۴ نحوه اجرای محکومیت‌های مالی «هرکس با قصد فرار از ادای دیون و تعهدات مالی موضوع اسناد لازمالاجرا و کلیه محکومیت‌های مالی، مال خود را به دیگران انتقال دهد، به نحوی که باقیمانده اموالش برای پرداخت بدهی او کافی نباشد، عمل او جرم تلقی و مرتکب به چهار ماه تا دو سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد و در صورتی که انتقال گیرنده نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد شریک جرم محسوب می‌گردد و در این صورت اگر مال در ملکیت انتقال گیرنده باشد، عین آن و درغیر این صورت، قیمت یا مثل آن از اموال انتقال گیرنده بابت تأدیه دین استیفاء خواهد شد (Karimi & Asadi, 2019).

این قانون در وضعیت حقوقی فعلی کشور هم اکنون قابل اجرا بوده و تا حدودی از ضمانت اجرای موثری در جهت احقاق حقوق مظلومان برخوردار بوده است؛

روی هم‌رفته، به نظر می‌رسد با توجه به آن‌چه در فقه اسلامی در خصوص مواردی مانند وقف به قصد اضرار به دیان گفته شده است و با توجه به تحلیل حقوقی، وضعیت حقوقی غیر نافذ بتواند بهترین گزینه برای این دسته از معاملات باشد. البته تلاش، برخی حقوق‌دانان با توجه به اصل لاضرر و پاره‌ای نظریات فقهی و نیز برخی مواد خاص مانند ماده ۶۵ قانون مدنی در خصوص عدم نفوذ وقف مضر به حال دیان، می‌توانند مجدداً با گرفتن وحدت ملاک و ایجاد قاعده، حکم عدم نفوذ معاملات به قصد فرار از دین را احیا کنند (Shahidi).

۲-۳ در تطبیق با قوانین مصر

قانون مدنی کشور مصر^۱، یکی از قوانین مدنی پیشرفته در مقام مقایسه‌ی فرهنگی و دینی نسبت به سایر کشورها است. به موجب مواد ۹۰ و ۱۴۴ قانون مدنی مصر، تعهد رابطه‌ای است حقوقی (قانونی) که هدف از آن، حصول منفعت برای یک شخص، به واسطه التزام متعهد به انجام یا خودداری از انجام عمل معین است (Zakarian & Meghdadi, 2018).

^۱ قانون مدنی کشور مصر شامل ۱۱۴۹ ماده می‌باشد،

بنابراین نسبت به حقوق ایران معاملات دارای وجه التزام به رعایت حقوق است، در حقوق ایران همانطور که مطرح شد معاملات از هر نوعی که باشد بر مبنای یک اصل، تحت عنوان "آزادی قرار داد" است. اما همین اصل یکی از تفاوت‌های اساسی معامله با کشور مصر می‌باشد. در این کشور معاملات از هر نوعی که باشد مبنای آن قانونی است که هر دو طرف قرارداد ملزم به رعایت آن هستند (Safai, 2006).

وجه تفاوت بارز در قوانین مدنی مصر در تطبیق با قانون مدنی ایران دویخشی بودن آن است. قانون مدنی مصر به دو بخش «شخصیه» که رابطه فرد با خانواده اش را تنظیم می‌کند و بخش «معاملات» که رابطه مالی فرد با دیگران را تنظیم می‌کند تقسیم می‌شود (Khani & Keyvani, 2019).

حق عینی به معنای سلطه یک شخص بر یک شیء است و حق شخصی به این معناست که دائن می‌تواند انجام یا خودداری از انجام عملی را از مدیون بخواهد. تلاش‌های برخی از حقوقدانان جهت از میان برداشتن این تقسیم بندی بی ثمر بوده است.

در قوانین مصر تاکنون تحولاتی در خصوص بکارگیری الفاظ صورت پذیرفته است و به جای لفظ التزام، لفظ "تعهد" را در معاملات به کار برده است که در مقایسه با قانون مدنی ایران لفظ "التزام" بر تعهد تقدم دارد؛ در واقع در کشور ایران قرارداد ناشی از بکارگیری لفظ التزام است، ولی در کشور مصر "تعهد" التزامات ناشی از قرارداد است. در حالی که التزام اعم از تعهد است، زیرا التزام علاوه بر التزامات ناشی از قرارداد، التزاماتی که از قرارداد ناشی نمی‌شوند (التزامات خارج از قرارداد) را نیز، در بر می‌گیرد (Razani, 1999).

در تحولات قانونگذاری مصری در ارتباط با معاملات در بین اشخاص استحکام بیشتری برقرار است. به این ترتیب معامله‌ای نمی‌تواند به قصد فرار از دین انجام پذیرد ماده ۹۴ قانون مدنی مصر بیان می‌دارد: «برای صحت تعهدات و عقود، شرط است که آن‌ها بر سببی مجاز و صحیح و قانونی مبتنی باشند (ماده ۹۴ قانون مدنی مصر).

بنابراین اصل، تعهد پدید نخواهد آمد مگر آن که دارای سببی تحقق یافته و قانونی باشد. آنچه وجه تفاوت بین قانون مدنی ایران در قبال قصد مرتکب در فرار از دین با قانون مصر می‌تواند مطرح گردد، عبارت است از اینکه، در قانون مدنی مصر انجام معاملات چون دارای سبب قانونی است، پس رسیدگی به تعهدات نیز قانونی انجام می‌پذیرد؛ این مطلب به وضوح در عبارت مندرج در ماده ۲۳۵ قانون مدنی مصر نمایان است (Al-Sanhouri, 1968)، ولی در حقوق ایران بعد از قصد مرتکب و بعد از وارد شدن ضرر به بستانکار، با درخواست فرد متضرر سبب قانونی در خصوص قصد مرتکب تحقق می‌یابد؛ به عبارتی دیگر، محکومیت‌های مالی زمانی اثر بخش خواهد بود که با اثبات قصد مرتکب از سوی بستانکار همراه باشد، حال اینکه در قوانین کشور مصر انجام تعهد ملزوم به سبب قانونی است تا در صورت قصد عدم پرداخت دین از سوی مدیون دیگر التزام به اثبات قصد مرتکب نیازی نباشد.

۳ راهبردهای موثر، در جهت رفع چالش‌های فعلی معاملات به قصد فرار از دین

آنچه به عنوان سازوکار، در جهت رفع چالش‌های فعلی معاملات با انگیزه فرار از دین مطرح شده است در ارتباط مستقیم در برخورد با معامله گران به قصد فرار از دین است؛ اگر چه بازنگری و اصلاح قوانین از سوی سیستم‌های قانون گذاری نظام حاکمیت کشورها راهی در جهت رفع چالش‌های مربوط به این نوع از معاملات می‌باشد ولی همانطور که در مطالعه‌ی حاضر به تحولات صورت پذیرفته اشاره گردید این تحولات نه تنها کافی نبوده بلکه نیازمند بکار گیری راهبردهای عقلی و منطقی است؛ که در ادامه این مبحث به چند مورد از راهبردهای پیشنهادی زیر که می‌تواند نقطه عطفی در جهت بکار

گیری آن در قانون مدنی (ذیل ماده ۲۱۸) واقع گردد. مهم‌ترین راهبردها را در عناوین ذیل مطرح و توصیه می‌شود.

۱-۳ اصلاح ساختار ماده ۲۱۸ قانون مدنی متناسب با قانون مدنی کشور مصر

اکنون پس از گذشت ۷ دهه از تصویب ماده ۲۱۸ قانون مدنی و نمایان شدن ضعف‌ها و قوت‌های تحولات قانونگذاران معاملات به قصد فرار از دین، آنچه بیش از پیش اهمیت دارد، طراحی سیر حرکت قانون مدنی نه تنها فقط در ماده ۲۱۸ قانون مدنی بلکه سایر مواد به سمت و همسو با قوانین مدنی موفق دنیاست. به بیان دقیق تر، هرچند نظام قانون‌گذاری فعلی جمهوری اسلامی ایران با آموزه‌های شریعت مقدس اسلام مغایر نیست، اما با نظام مطلوب اسلامی نیز فاصله دارد. گذار از وضع موجود به وضع مطلوب بدون نیازمندی به اصلاح و بازنگری قانون و شتاب و بی دقتی در تهیه پیشنویس قوانین و تصویب قانون بدون اقدامات کارشناسی قطعا با شکست مواجه خواهد شد. لذا پیشنهاد می‌گردد در قانون مدنی ایران انجام معاملات دارای سبب قانونی باشد، نه سبب اصل آزادی قراردادی و رسیدگی به تعهدات نیز قانونی انجام پذیرد نه بعد از متضرر شدن طرفین قرارداد.

۲-۳ بازنگری در رویه برخورد با معاملات به قصد فرار از دین

یکی از رویه‌های موثر در نظام حقوقی ایران در برخورد با معامله‌گران به قصد فرار از دین متوجه ماده ۴ قانون فعلی نحوه اجرای محکومیت‌های مالی است. لذا بر اساس ماده ۴ نحوه اجرای محکومیت‌های مالی پیشنهاد می‌گردد، هم‌چنان این قانون در وضعیت حقوقی فعلی کشور قابل اجرا باقی بماند چون هم از ضمانت اجرای موثری در جهت احقاق حقوق اشخاص برخوردار بوده است، اما در خصوص ماده ۲۱۸ قانون مدنی بهتر است با توجه به تحولات و اصلاحیه مکرر قانون فوق، تعدیل در این ماده صورت پذیرد و اصلاح آن همسو با تحولات جامعه همگام‌سازی شود.

نتیجه‌گیری

معامله به قصد فرار از دین یکی از موضوعات مهم حقوق مدنی می‌باشد که در عمل نیز یکی از شایع‌ترین اعمالی است که بدهکاران با سوء نیت انجام می‌دهند. با حذف ماده ۲۱۸ قانون مدنی، ضمانت اجرای کافی برای این نوع معاملات و فقدان رویه قضایی معین و مشخص فراهم نخواهد شد و در عمل این نوع معاملات افزایش یافته و انجام آن‌ها را آسان‌تر خواهد نمود. به نظر می‌رسد وضع دو ماده ۲۱۸ اصلاحی و ۲۱۸ مکرر قانون مدنی نه تنها خلاء ناشی از حذف ماده ۲۱۸ سابق قانون مدنی را پر نکرده، بلکه باعث ایجاد ابهامات جدید دیگری در وضعیت حقوقی و آثار معاملات به قصد فرار از دین شود و ماده ۲۱ قانون نحوه محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ نیز این ابهامات را کاهش نداده و موجبات تفسیرهای متفاوت را فراهم نموده است به نحوی که در شمول ماده ابهامات زیادی وجود دارد. در فقه معامله به قصد فرار از دین دارای عنوان مستقلی نبوده و فقها این موضوع را بیشتر در معاملات «مفلس» و «کتاب حجر» بررسی نموده‌اند. اما بعضی از فقهای معاصر و قدیم در این رابطه به طور مختصر نظراتی ارائه نموده‌اند که به نظر می‌رسد که فقهای عامه در این رابطه مفصل‌تر بحث کرده و نظرات بهتری را که با روزگار و جوامع فعلی سازگارتر است، ارائه نموده‌اند.

در حقوق ایران اکثر حقوق‌دانان به طور خلاصه به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. ولی بعد از حذف ماده ۲۱۸ سابق قانون مدنی و وضع مواد ۲۱۸ اصلاحی و ۲۱۸ مکرر قانون مدنی و قانون نحوه محکومیت‌های مالی اثر مستقلی در این رابطه دیده نمی‌شود.

نتایج حاصل از مقاله حاضر با عنوان تحولات معاملات به قصد فرار از دین در حقوق ایران و فقه اسلامی و حقوق مصر را می‌توان در قالب عناوین زیر مطرح ساخت؛

- معامله فرار از دین، عبارت است از؛ هر عمل حقوقی متقلبانه که منظور عامل آن فرار از پرداخت دین است.

- معامله به قصد فرار از دین در ماده ۲۱۸ سابق قانون مدنی آورده شده است که این ماده طی چهار دوره (۱۳۶۱، ۱۳۷۷، ۱۳۷۰، ۱۳۹۴ و سابق) مورد حذف و بازنگری قرار گرفته است،
- در فقه اسلامی بحث در مورد "فرار از پرداخت دین" از مباحث متروکه به حساب می‌آید اما در حالت کلی با مطالعه ی دیدگاه فقهای امامیه؛ معاملات به قصد فرار از دین از نظر گروهی یا نافذ است و در نظر گروهی دیگر غیر نافذ تلقی شده است.
- در حقوق ایران نیز فرار از دین، در مواضع قانون مدنی، قانون تجارت، قانون اجرای احکام مدنی، قانون اساسی منع و نافذ بوده است؛
- مهمترین مقرر قانون فعلی که در این زمینه می‌تواند تا حدودی راهگشا باشد؛ ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی است.
- آنچه در قانون مدنی، تحت عنوان "تحول" در معاملات به قصد فرار از دین مطرح است، شامل تغییراتی بوده است که بیشتر از جنبه‌ی انشائی برخوردار بوده؛ ماده ۲۱۸ قانون مدنی طی چندین مرحله مورد اصلاح، حذف و بازنگری واقع شده است، اما در حالت کلی آن‌چنان که باید و شاید شاهد فوایدی از حیث پاسداری از حقوق افراد نبوده است و هم‌چنان با توجه به دیدگاه‌های متفاوت حقوقی و عدم توجه یکپارچه فقهای امامیه به مسأله‌ی "فرار از دین" و نافذ تلقی نمودن اکثر فقها، این نوع معاملات هم‌چنان به عنوان چالش اساسی در نظام حقوقی ایران به قوت خود باقی است.
- در تحولات قانونگذاری مصر در ارتباط با معاملات در بین اشخاص استحکام بیشتری برقرار است. به این ترتیب معامله‌ای نمی‌تواند به قصد فرار از دین انجام پذیرد
- بنابراین اصل، تعهد پدید نخواهد آمد مگر آن که دارای سببی تحقق یافته و قانونی باشد. آنچه وجه تفاوت بین قانون مدنی ایران در قبال قصد مرتکب در فرار از دین با قانون مصر می‌تواند مطرح گردد، عبارت است از اینکه، در قانون مدنی مصر انجام معاملات چون دارای سبب قانونی است، پس رسیدگی به تعهدات نیز قانونی انجام می‌پذیرد؛ این مطلب به وضوح در عبارت مندرج در ماده ۲۳۵ قانون مدنی مصر نمایان است ولی در حقوق ایران بعد از قصد مرتکب و بعد از وارد شدن ضرر به بستانکار، با درخواست فرد متضرر سبب قانونی در خصوص قصد مرتکب تحقق می‌یابد؛ به عبارتی دیگر، محکومیت‌های مالی زمانی اثر بخش خواهد بود که با اثبات قصد مرتکب از سوی بستانکار همراه باشد، حال اینکه در قوانین کشور مصر انجام تعهد ملزوم به سبب قانونی است تا در صورت قصد عدم پرداخت دین از سوی مدیون دیگر التزام به اثبات قصد مرتکب نیازی نباشد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The evolving complexities of human life create a variety of legal relationships beyond social, economic, and cultural interactions. Among these is the legal responsibility one party bears toward another, often arising from breaches of contracts or obligations (Shiravi, 2017). While damages

resulting from harmful acts can lead to material and moral losses, the ethical and legal challenges posed by such actions necessitate thorough exploration and resolution mechanisms (Heydarian Dowlatabadi & Mazaheri Kohanestani, 2019; A. N. Katouzian, 2006; N. Katouzian, 2006). Notably, the concept of "transactions intended to evade debt" remains a contentious issue within jurisprudence, lacking unified definitions and enforcement across various legal frameworks. Defined broadly as any fraudulent legal act aimed at avoiding debt repayment, such transactions embody a significant legal and ethical dilemma (Izadi Fard & Kaviar, 2010).

Article 218 of Iran's Civil Code has undergone numerous revisions to address the legal challenges posed by debt-evasion transactions. Initially, these transactions were declared invalid, but subsequent amendments introduced provisions categorizing such actions as "ineffective" or "non-binding" under specific circumstances (Karimi & Asadi, 2019). The evolution of Article 218 reflects persistent legal uncertainties, particularly in distinguishing between fraudulent and bona fide transactions. While principles such as the freedom of contracts (Article 10 of the Civil Code) underpin Iran's transactional laws, the abuse of this freedom raises critical questions about the balance between individual rights and creditor protections (Safai, 2006).

In contrast to Iran's fluctuating legal stance, Egyptian civil law offers a more structured and progressive approach to addressing debt-evasion transactions. The Egyptian Civil Code incorporates specific provisions, such as Articles 235 and 237, which explicitly safeguard creditors' rights against fraudulent acts by debtors (Zakarian & Meghdadi, 2018). The integration of clear enforcement mechanisms, coupled with a focus on ensuring legal coherence, underscores the superiority of Egypt's framework in addressing such disputes. Notably, Egyptian law emphasizes the concept of "cause" in contractual obligations, ensuring that transactions are underpinned by legitimate and enforceable intents (Al-Sanhouri, 1968).

Despite extensive legislative efforts, the issue of debt-evasion transactions in Iran remains unresolved, as highlighted by the lack of consistent enforcement mechanisms. Theoretical perspectives within Islamic jurisprudence offer limited guidance, with many scholars refraining from addressing this topic comprehensively. While some jurists advocate for the invalidation of such transactions based on principles like "La Dharar" (no harm), others argue for their validity under the doctrine of contractual freedom (Heydarian Dowlatabadi & Mazaheri Kohanestani, 2019). These divergent views contribute to the judicial ambiguities observed in Iranian courts, complicating efforts to achieve equitable resolutions.

Drawing on insights from Egyptian law, Iranian legislators could benefit from adopting more definitive and enforceable measures to address debt-evasion transactions. By incorporating elements such as transparent contractual requirements and enhanced judicial oversight, Iran's Civil Code could better align with international best practices (Amini, 2022). Furthermore, fostering interdisciplinary research to integrate Islamic jurisprudential principles with modern legal frameworks could provide innovative solutions tailored to the Iranian context. The adoption of comparative legal studies as a strategic tool for reform holds promise for addressing the inherent challenges of these transactions (Karimi & Asadi, 2019).

The persistent ambiguities surrounding debt-evasion transactions highlight the need for a comprehensive overhaul of Iran's legal approach. As emphasized by multiple scholars, the inconsistent interpretation and enforcement of Article 218 undermine the effectiveness of current legal protections for creditors (Sadeghi, 2018). Lessons from Egypt's advanced civil law system underscore the importance of clear and cohesive legislative strategies in fostering equitable outcomes. By bridging the gaps between theoretical principles and practical enforcement, Iran could

establish a more robust legal framework to address the complexities of modern transactions. Ultimately, achieving such reforms necessitates a collaborative effort among legislators, legal practitioners, and scholars to harmonize domestic laws with international standards.

References

- Abu al-Saud, R. (1986). *Mabadi al-Iltizam fi al-Qanun al-Misri wa al-Lubnani*. Al-Dar al-Jami'iyah.
- Al-Sanhouri, A.-R. (1968). *Rights of Commerce* (Vol. 1). Dadgostar.
- Amini, I. (2022). *Contract Law*. Ganj-e-Danesh Publications.
- Emami, S. H. (2008). *Civil Law* (Vol. 7). Islamiya Bookstore.
- Heydarian Dowlatabadi, M. J., & Mazaheri Kohanestani, R. (2019). Analysis of Fraudulent Conveyances in Iranian Jurisprudence and Positive Law. *Islamic Jurisprudence and Legal Foundations*, 12(23).
- Izadi Fard, A. A., & Kaviar, H. (2010). Fraudulent Conveyances to Evade Debt in Jurisprudence and Law. *Islamic Jurisprudence and Legal Research Journal*, 7(22).
- Karimi, A., & Asadi, S. H. (2019). Legal Developments in Fraudulent Conveyances. *Taliyeh-e-Hoqouqi*, 3(1).
- Katouzian, A. N. (2006). Abuse of Rights or Negligence in Execution of Rights. *University of Tehran Law and Political Science Journal*, 21.
- Katouzian, N. (2006). *General Principles of Contracts* (Vol. 2). Sharekat-e-Sahami Entesharat.
- Khani, H., & Keyvani, Z. (2019). Legal Protections for Ignorant Buyers in Conflicting Transactions in Iranian and Egyptian Legal Systems. *Alavi Jurisprudence Studies*, 9(5).
- Khatib, A., Fallah, M., & Tolayi, A. (2018). Foundations of Judicial Adjustment of Contracts in Iranian and Egyptian Law. *Islamic Legal Research*, 19(1).
- Mahalli, M., & Zangeneh, M. (2016). Foundations of Invalidity in Fraudulent Conveyances in Shi'a Jurisprudence and Iranian Law. *Ahlul Bayt Jurisprudence Journal*, 77.
- Muhaqqiq Hilli, A. a.-Q. N. a.-D. J. f. i. H. (1983). *Sharay'i al-Islam fi Masa'il al-Halal wal-Haram*. Esteghlal Publications.
- Naraq, M. M. (1877). *Mushariq al-Ahkam*. Stone Print.
- Razani, B. (1999). A Look at Egypt's Current Civil Law. *Humanities and Cultural Studies Journal*.
- Sadeghi, G. (2018). *Fraudulent Transactions and Evasion of Debt in Judicial Practice*. Judiciary Publications.
- Safai, H. (2006). *Civil Law: General Principles of Contracts*. Mizan Publications.
- Safai, H., & Taqi Molla, H. (2005). *Fraudulent Conveyances in Iranian and French Law* [Imam Sadiq University].
- Shahidi, M. *Civil Law: Formation of Contracts and Obligations*. Majd.
- Sharafat-Peyma, M., & Khajvand Melkar, A. P. (2016). *Forced Execution of Obligations in Iranian and Egyptian Law* [Islamic Azad University, Bandar Anzali Branch].
- Shiravi, A. (2017). *Contract Law*. SAMT Publications.
- Taqi Molla, H. (2021). *Fraudulent Conveyances to Evade Debt*. Mizan Publications.
- Zakarian, A., & Meghdadi, M. M. (2018). Claims of Invalid Transfers by Debtors in Egypt and Lebanon Compared to Domestic Regulations. *Comparative Law Journal*, 15(1).